

اندیشه‌های نوین تربیتی

دوره ۱۰، شماره ۱

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء^س

بهار ۱۳۹۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۲

تاریخ بررسی: ۹۲/۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۱۴

رابطه بین پنج عامل شخصیت با شیوه فرزندپروری در مادران کودکان دچار بیش‌فعالی و نقص توجه

عسمت‌دانش^{*}، علیرضا کاوند^{**}، علیرضا سلیمی‌نیا^{***}، لیلیا باقی^{****} و میاس سیمی^{*****}

چکیده

هدف پژوهش تعیین رابطه بین پنج عامل بزرگ شخصیت با شیوه فرزندپروری مادران کودکان دچار نقص توجه و بیش‌فعالی بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری مادران ۴۷ دانش‌آموز (۲۹ پسر و ۱۸ دختر) دچار نقص توجه و بیش‌فعالی و نمونه بود که در سال ۱۳۹۰، به درمانگاه دکتر رونق، در شهر کرج مراجعه کرده بودند. ابزار پژوهش پرسشنامه نئو و فرزندپروری آلاباما بود. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. نتایج حاکی از ارتباط مثبت بین روان‌رنجوری و شیوه‌های فرزندپروری بی‌ثبات و مبتنی بر تنبیه بدنی مادران بود. وظیفه‌شناسی مادران با شیوه‌های فرزندپروری مثبت و درگیرانه رابطه مثبت و با شیوه‌های فرزندپروری توأم با تنبیه بدنی و نظارت ضعیف رابطه منفی داشت. مؤلفه خوشایندی رابطه مثبت معناداری با شیوه فرزندپروری مبتنی بر تنبیه بدنی داشت و سایر ابعاد شخصیت رابطه معناداری با شیوه‌های فرزندپروری مادران نداشت. بنابراین، ویژگی‌های شخصیتی مادران بر شیوه‌های رفتاری و فرزندپروری آن‌ها و نیز افزایش یا کاهش شدت اختلال کودکان دچار نقص توجه و بیش‌فعالی آن‌ها تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها

بیش‌فعالی؛ نقص توجه؛ پنج عامل شخصیت؛ مادران؛ شیوه فرزندپروری

* نویسنده مسئول، دانشیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج
esmat_danesh@yahoo.com

** استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

*** استادیار دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران

**** کارشناس ارشد روان‌شناسی شخصیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

***** کارشناس ارشد روان‌شناسی شخصیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

مقدمه

اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی، از مهم‌ترین و شایع‌ترین اختلال‌های دوران کودکی است که توجه روان‌شناسان و روان‌پزشکان را به خود جلب کرده است (شعبانی و یادگاری، ۱۳۸۴؛ بوسینگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). مهم‌ترین مشکل این کودکان توجه و نیز توجه پایدار است (لرنر، ۱۳۹۰). در کودکان به‌ویژه کودکان پیش‌دبستانی مواردی چون فعال بودن، پرانرژی و پرنشاط بودن، پریدن از یک فعالیت به فعالیت دیگر، هنگامی که محیط خود را کاوش می‌کنند، عمل کردن بدون احتیاط، پاسخ‌دادن به‌طور تکان‌های به رویدادهایی که در اطراف آن‌ها رخ می‌دهد و واکنش‌های هیجانی سریع، امری عادی تلقی می‌شود (کارر^۲، ۲۰۰۰). اما زمانی که کودکان همواره سطوحی از فعالیت را به نمایش می‌گذارند که متفاوت از گروه سنی آن‌ها است، وقتی آن‌ها توانایی حفظ توجه، علایق یا ادامه انجام‌دادن فعالیت‌های همانند هم‌تایان خود را ندارند یا نمی‌توانند اهداف بلندمدت یا تکالیف واگذار شده از سوی دیگران را دنبال کنند، یا زمانی که توانایی خودنظارتی در آن‌ها پایین‌تر از سطح مورد انتظار رشدی است، دیگر به آن‌ها صرفاً کودکان پرشور و پرنشاط، ویژگی خاص دوران کودکی، اطلاق نمی‌شود (بارکلی^۳، ۲۰۰۰).

افزون بر این‌ها بر خلاف آنچه تاکنون تصور می‌شد، علائم بالینی این اختلال در بزرگسالی نیز عمدتاً از بین نمی‌رود، اما اغلب تشخیص داده نمی‌شود. این اختلال مربوط به محدودیت‌های بازدارنده رفتار است که از نظر رفتاری سطوح نامناسبی از بی‌توجهی، تکانشگری و بیش‌فعالی را قبل از ۷ سالگی شامل می‌شود و به‌ویژه برای دانش‌آموزان مبتلا، مشکلات بسیاری را در زمینه‌های عاطفی، اجتماعی، تحصیلی و شغلی ایجاد می‌کند. این مشکلات همراه با هم می‌تواند تأثیر زیادی بر عملکرد روانی اجتماعی والدین و فرزندان داشته باشد (علی‌بخشی و همکاران، ۱۳۹۰).

شواهد روزافزونی بیان‌کننده آسیب‌دیدگی روانی والدین این کودکان است، به‌ویژه والدین کودکانی که همراه با نقص توجه و بیش‌فعالی دارای لجبازی، نافرمانی و اختلال سلوک نیز

-
1. Bussing
 2. Carr
 3. Barkley

هستند (چای^۱ و هین شو، ۲۰۰۲). این کودکان به واسطه همه مشکلاتی که دارند، فشار و استرس عمده‌ای بر والدین خود وارد می‌کنند (سپ و جانسون^۲، ۲۰۰۵). در نتیجه والدین این کودکان بیش از پیش با چالش‌های منحصر به فردی مواجه هستند (رهال^۳ و همکاران، ۲۰۰۴). مطالعات موجود همگی توافق دارند که مادران کودکان دچار نقص توجه و بیش‌فعالی در مقایسه با مادران کودکان گروه گواه پریشانی و اضطراب زیادی را تجربه می‌کنند (براون و ویتساید^۴، ۲۰۰۷). در ارتباط با پریشانی و اضطراب مشاهده شده در والدین این کودکان، می‌توان شاهد تفاوت‌هایی در شیوه فرزندپروری آنها بود (پارکر^۵ و همکاران، ۲۰۰۴)، مادران این کودکان در مقایسه با دیگر مادران، رفتار فرزندپروری منفی‌تری را نشان می‌دهند (دوپول^۶ و همکاران، ۲۰۰۱). در اینجا لازم است به مفهوم تأثیر دو جانبه رفتار کودک با رفتار والد اشاره شود. در این مفهوم هر دو عامل کودک و والدین بر تعاملات آشفته کودک- والد به شیوه‌ای متقابل و دو جانبه تأثیرگذار هستند. به این معنی که عوامل والدینی مثل آسیب‌شناسی روانی والدین یا استرس آنها ممکن است بر شیوه فرزندپروری اثری منفی داشته باشد (جانسون و جاسی^۷، ۲۰۰۷)، که این به نوبه خود می‌تواند در شکل‌گیری رفتار کودک مؤثر باشد (هین شو و همکاران، ۲۰۰۲).

بنابراین، برای پاسخ به این سؤال که چرا فرزندپروری در خانواده‌های کودکان دچار نقص توجه و بیش‌فعالی متفاوت است، اولین گام مهم بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی این‌گونه والدین است، و از آنجایی که این والدین بیش از سایر والدین با چالش‌های منحصر به فردی در زمینه نقش والدینی مواجه هستند (کرنیک^۸ و همکاران، ۲۰۰۵)، که می‌تواند بر شیوه فرزندپروری اثر بگذارد و به دنبال آن، شرایط کنار آمدن با این مشکل و ایجاد اختلال‌های همبود با نقص توجه و بیش‌فعالی را تحت شعاع قرار دهد و از سوی دیگر عواملی والدینی

1. Chi
2. Seipp & Johnstone
3. Rhule
4. Brown & whiteside
5. Parker
6. Dupaul
7. Johnstone & Jassy
8. Crnice

نظیر آسیب دیدگی روانی و استرسی که والدین تجربه می‌کنند (سپا^۱ و همکاران، ۲۰۰۴)؛ ممکن است نه تنها بر شیوه فرزندپروری آن‌ها، بلکه در شکل‌گیری و پایداری رفتار کودک تأثیری منفی داشته باشد. بنابراین، شناخت عوامل اثرگذار بر شیوه‌های فرزندپروری والدین که نقش چشم‌گیری در سازگاری و هدایت این‌گونه کودکان دارد؛ بر اهمیت و ضرورت چنین پژوهشی صحت می‌گذارد. برای روشن کردن جنبه‌هایی از عوامل مؤثر بر استرس فرزندپروری، این پژوهش با هدف تعیین شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان دچار نقص توجه و بیش‌فعالی با توجه به ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها انجام شد؛ تا سهم هر یک از ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی شیوه‌های فرزندپروری مشخص شود. فرضیه‌ها عبارت بودند از:

۱. ویژگی‌های منفی شخصیت مادران کودکان دچار نقص توجه و بیش‌فعالی با شیوه فرزندپروری تنبیه بدنی، انضباط ناپایدار و نظارت ضعیف رابطه دارد.
۲. ویژگی‌های مثبت شخصیت مادران کودکان دچار نقص توجه و بیش‌فعالی با شیوه فرزندپروری مثبت و درگیرانه مثبت رابطه دارد.

روش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری کلیه مادران ۴۷ دانش‌آموز شامل ۲۹ دختر و ۱۸ پسر با تشخیص اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی بود که برای درمان فرزندشان در سال ۱۳۹۰، به درمانگاه اختلالات روانی دکتر رونق در شهر کرج مراجعه کرده بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تمام شمار و با توجه به ملاک‌های ورود که شامل داشتن ملاک‌های راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی^۲ درباره نقص توجه و بیش‌فعالی، داشتن ضریب هوشی متوسط، سن ۶ - ۱۲ سال، زندگی کردن با مادر زیستی خود، حضور پدر و مادر در خانواده و شرایط دارو درمانی یکسان بود، آزمودنی‌ها انتخاب و مادران آن‌ها به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از روش آماری تحلیل واریانس و رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

1. Sepa

2. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-IV)

ابزار پژوهش عبارت بودند از:

۱. نسخه کوتاه پرسشنامه پنج عامل شخصیتی نئو: کاستا و مک کرا،^۱ در سال ۱۹۹۵، این پرسشنامه را بر اساس الگوی پنج عاملی شخصیت در دو نسخه ۲۴۰ و ۶۰ سؤالی تهیه کردند (پتلیک، ۲۰۰۲؛ دیامانت و بروسارد^۲؛ ۲۰۰۳؛ کنعانی، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر، از نسخه کوتاه این مقیاس حاوی پنج حیطه و ۶۰ سؤال استفاده شد. هر یک از این حیطه‌ها که با ۱۲ سؤال سنجش می‌شود به ترتیب شامل روان‌رنجورخویی^۳، برون‌گرایی^۴، گشودگی به تجربه^۵، خوشایندی^۶، وظیفه‌شناسی^۷ است. پرسش‌ها در مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تنظیم شده و پایایی این مقیاس از طریق آزمون-پس آزمون برای مقیاس‌ها بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ گزارش شده است. همسانی درونی پنج مقیاس بین ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ گزارش شده (کاستا و مک کرا، ۱۹۹۲)، که نشان‌دهنده ویژگی‌های روان‌سنجی مناسبی برای آزمون است. همچنین این نسخه درباره ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله سه ماه اجرا شد که ضرایب پایانی ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ به ترتیب برای عوامل روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، خوشایندی، وظیفه‌شناسی به دست آمد (روبینز^۸ و همکاران، ۲۰۰۱). آلفای کرونباخ برای این عوامل به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۳، ۰/۴۲، ۰/۵۸ و ۰/۷۷ گزارش شده است (مک‌کری و کاستا، ۲۰۰۴). در پژوهش حاضر ضریب پایایی زیر مقیاس‌ها با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۶۱ تا ۰/۷۳ به دست آمد، که نشان‌دهنده پایایی درونی مناسب آزمون در نمونه پژوهشی مورد مطالعه است.

۲. پرسشنامه فرزندپروری آلاباما: این پرسشنامه ۴۲ سؤالی را شلتون^۹ و همکاران (۱۹۹۶)، برای اندازه‌گیری پنج حوزه فرزندپروری تهیه کردند. این پنج حوزه شامل تنبیه بدنی، نظم و انضباط ناپایدار، نظارت ضعیف، درگیری و فرزندپروری مثبت است. پرسش‌ها در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از هرگز تا همیشه تنظیم شده و همسانی درونی برای مقیاس‌ها از

-
1. Costa & McCrae
 2. Pytlik, Diamant & Brousard
 3. neuroticism
 4. extraversion
 5. openness to experience
 6. agreeableness
 7. conscientiousness
 8. Robins
 9. Shelton

متوسط تا بالا بین دامنه ۰/۴۶ تا ۰/۸۰ را مک ماهون^۱ و همکاران (۱۹۹۷) و پایایی از طریق آزمون- پس آزمون در فاصله زمانی سه سال ۰/۶۵ گزارش شده است (شلتون و همکاران، ۱۹۹۶). در پژوهش حاضر ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۶۲ و برای زیرمقیاس‌ها بین دامنه ۰/۵۳ تا ۰/۷۹ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی بین متوسط تا بالا است.

یافته‌ها

از ۴۷ دانش‌آموز ۲۷/۷ درصد دچار اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی، ۵۵/۳ درصد دچار این اختلال همراه با لجبازی و نافرمانی، ۸/۵ درصد همراه با اختلال سلوک و ۸/۵ درصد دچار این اختلال همراه با سایر اختلال‌ها بودند. فرزندان اول با ۷۰/۲ درصد بیش‌ترین و بیش از سه فرزند با ۲/۱ درصد کم‌ترین درصد را به خود اختصاص داده بودند. ۲۵/۵ درصد این کودکان ۴-۶ ساله، ۵۹/۶ درصد ۷-۹ ساله و ۱۴/۹ درصد ۱۰-۱۲ ساله بودند. ۴۰/۴ درصد مادران این کودکان ۲۵-۳۰ ساله، ۴۴/۷ درصد ۳۰-۳۶ ساله و ۱۴/۹ درصد ۳۱-۴۰ ساله بودند. به این ترتیب بیش‌تر مادران در دامنه سنی ۲۶-۳۰ سال قرار داشتند. از نظر تحصیلات بیش‌تر مادران این کودکان دارای مدرک دیپلم (۵۷/۴ درصد)، سپس ۲۹/۸ درصد دارای مدرک دانشگاهی و ۱۲/۸ درصد زیر دیپلم بودند. ۶۳/۸۳ درصد این کودکان کم‌تر از یک سال، ۲۹/۸ درصد ۱-۲ سال، ۴/۲۵ درصد ۲-۳ سال و ۲/۱۳ بیش از ۳ سال تحت درمان بودند.

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی ابعاد پنج گانه شخصیت و شیوه‌های فرزندپروری مادران (تعداد=۴۷)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
روان رنجور خوئی	۲۷/۲۸	۹/۸۸
گشودگی	۲۷/۸۷	۶/۷
برون‌گرایی	۳۱/۸۷	۹/۲۰
خوشایندی	۲۹/۵۱	۸/۵۰
وظیفه‌شناسی	۳۰/۴۳	۸/۲۵
شیوه فرزندپروری درگیرانه	۱۸/۵۱	۵/۴۵
شیوه فرزندپروری مثبت	۱۵/۷۴	۴/۰۷۸
شیوه فرزندپروری توأم با نظارت ضعیف	۱۱/۱۷	۳/۸۵۸
شیوه فرزندپروری بی‌ثبات	۱۸/۱۱	۴/۸۱
شیوه فرزندپروری تنبیه بدنی	۱۲/۷۲	۲/۳۹

جدول ۱ نشان می‌دهد مادران به ترتیب در بعد برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، خوشایندی، گشودگی و روان‌رنجورخویی نمراتی بالاتر از نقطه برش کسب کرده‌اند. همچنین مادران به ترتیب بیش‌تر از شیوه فرزندپروری درگیرانه، شیوه فرزندپروری بی‌ثبات و مثبت و کم‌تر از شیوه فرزندپروری توأم با نظارت ضعیف و شیوه فرزندپروری تنبیه بدنی استفاده می‌کنند.

جدول ۲: خلاصه الگوی رگرسیون ابعاد پنج‌گانه شخصیت و شیوه‌های فرزندپروری درگیرانه

شاخص الگو	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	R	R^2	R^2 اصلاح شده
رگرسیون	۴۲۹/۶۱۸	۵	۸۵/۹۲۴	۳/۷۵۵	۰/۰۰۷	۰/۵۶۰	۰/۳۱۴	۰/۲۳
باقیمانده	۹۳۸/۱۲۶	۴۱	۲۲/۸۸۱					
کل	۱۳۶۷/۷۴۵	۴۶						

شاخص متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		معناداری
	B	S.E	Beta	t	
ثابت	۵/۴۴۵	۵/۳۰۹	-	۱/۰۲۶	۰/۳۱۱
روان‌رنجورخویی	۰/۰۴۷	۰/۰۷۹	۰/۸۵	۰/۵۹۳	۰/۵۵۶
برون‌گرایی	-۰/۰۴۶	۰/۰۸۲	-۰/۰۷۷	-۰/۵۶۲	۰/۵۷۷
گشودگی	-۰/۰۱۱	۰/۱۲۲	-۰/۰۱۴	-۰/۰۹۰	۰/۹۲۸
خوشایندی	۰/۱۶۹	۰/۰۸۹	۰/۲۶۳	۱/۸۹۸	۰/۰۶۵
وظیفه‌شناسی	۰/۲۸۱	۰/۰۹۲	۰/۴۲۶	۰/۰۴۳	۰/۰۰۴

جدول ۲ نشان می‌دهد ۰/۳۱ واریانس شیوه‌های فرزندپروری درگیرانه بر اساس متغیرهای شخصیتی تبیین پذیر است و بر اساس ضرایب رگرسیون تنها وظیفه‌شناسی می‌تواند تغییرات مربوط به شیوه‌های فرزندپروری درگیرانه را تبیین کند.

جدول ۳: خلاصه الگوی رگرسیون ابعاد پنج‌گانه شخصیت و شیوه‌های فرزندپروری مثبت

شاخص الگو	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	R	R^2	R^2 اصلاح شده
رگرسیون	۱۸۳/۶۲	۵	۳۶/۷۲۴	۲/۵۹۰	۰/۰۴۰	۰/۴۹۰	۰/۲۴۰	۰/۱۴۷
باقیمانده	۵۸۱/۳۱۴	۴۱	۱۴/۱۷۸					
کل	۷۶۴/۹۳۶	۴۶						

معناداری	T	ضرایب استاندارد نشده		شاخص متغیر
		Beta	S.E	
۰/۰۲۴	۲/۳۴۴	-	۴/۱۷۹	ثابت
۰/۴۸۶	۰/۷۰۴	۰/۱۰۷	۰/۶۳	روان رنجورخویی
۰/۲۱۹	-۱/۲۴۹	-۰/۱۸۱	۰/۶۳	برون‌گرایی
۰/۸۲۶	۰/۲۲۱	-۰/۳۵	۰/۹۶	گشودگی
۰/۸۴۲	۰/۲۰۱	-۰/۲۹	۰/۷۰	خوشایندی
۰/۰۰۷	۲/۸۳۹	۰/۴۱۸	۰/۷۳	وظیفه‌شناسی

در جدول ۳ دیده می‌شود ۰/۲۴ واریانس شیوه‌های فرزندپروری مثبت بر اساس ترکیب خطی ابعاد پنج‌گانه شخصیت تبیین‌پذیر و تنها بعد وظیفه‌شناسی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای شیوه فرزندپروری مثبت است.

جدول ۴: خلاصه الگوی رگرسیون ابعاد پنج‌گانه شخصیت و شیوه‌های فرزندپروری نظارت ضعیف

شاخص الگو	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	R	R^2	R^2 اصلاح شده
رگرسیون	۱۲۲/۱۱۲	۵	۲۴/۴۲۲	۱/۷۸۰	۰/۰۱۳	۰/۴۲۲	۰/۱۷۸	۰/۷۸
باقیمانده	۵۶۲/۵۲۶	۴۱	۱۳/۷۲۰					
کل	۶۸۴/۶۳۸							

معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده		شاخص متغیر
		Beta	S.E	
۰/۰۰۶	۲/۹۱۵	-	۴/۱۱۱	ثابت
۰/۵۱۰	۰/۸۵۱	۰/۱۳۴	۰/۰۶۲	روان رنجورخویی
۰/۵۰۵	۰/۶۷۳	۰/۱۰۱	۰/۰۶۳	برون‌گرایی
۰/۲۸۴	۱/۰۸۶	۰/۱۷۸	۰/۰۹۴	گشودگی
۰/۴۱۴	-۰/۸۲۵	-۰/۱۲۵	۰/۰۶۹	خوشایندی
۰/۰۳۵	-۲/۱۸۷	-۰/۳۳۵	۰/۰۷۲	وظیفه‌شناسی

طبق جدول ۴ مقدار R^2 برابر ۰/۱۷۸ و بدین معنی است که ترکیب خطی ابعاد پنج‌گانه شخصیت پیش‌بینی‌کننده معناداری برای شیوه فرزندپروری مثبت توأم با نظارت ضعیف و تنها

بعد وظیفه‌شناسی پیش‌بینی کننده منفی معنادار برای شیوه فرزندپروری توأم با نظارت ضعیف است.

جدول ۵: خلاصه الگوی رگرسیون ابعاد پنج‌گانه شخصیت و شیوه‌های فرزندپروری بی‌ثبات

شاخص الگو	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	R	R^2	R^2 اصلاح شده
رگرسیون	۳۵۹/۱۷۷	۵	۷۱/۸۳۵	۴/۱۷۶	۰/۰۰۴	۰/۵۸۱	۰/۳۳۷	۰/۲۵۷
باقیمانده	۷۰۵/۲۹۱	۴۱	۱۷/۲۰۲					
کل	۱۰۶۴/۴۶۸	۴۶						

شاخص متغیر	B	S.E	Beta	t	معناداری
ثابت	۱۳/۰۷۹	۴/۶۰۴	-	۲/۸۴۱	۰/۰۰۷
روان‌رنجورخویی	۰/۲۶۸	۰/۰۶۹	۰/۵۵۰	۳/۸۸	۰/۰۰۰۱
برون‌گرایی	-۰/۰۳۳	۰/۰۷۱	-۰/۰۶۳	-۰/۴۶۷	۰/۰۶۳
گشودگی	-۰/۰۱۹	۰/۱۰۵	-۰/۰۲۷	-۰/۱۸۱	۰/۸۵۷
خوشایندی	-۰/۱۰۲	۰/۰۷۷	-۰/۱۸۱	-۱/۳۲۶	۰/۱۹۲
وظیفه‌شناسی	۰/۰۷۶	۰/۰۸۰	۰/۱۳۱	۰/۹۴۸	۰/۳۴۸

در جدول ۵ دیده می‌شود ۰/۳۴ از واریانس شیوه فرزندپروری بی‌ثبات بر اساس ترکیب خطی ابعاد پنج‌گانه شخصیت تبیین‌پذیر و تنها بعد روان‌رنجورخویی پیش‌بینی کننده معناداری برای شیوه فرزندپروری بی‌ثبات است.

جدول ۶: خلاصه الگوی رگرسیون ابعاد پنج‌گانه شخصیت و شیوه‌های فرزندپروری تنبیه بدنی

شاخص الگو	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	R	R^2	R^2 اصلاح شده
رگرسیون	۹۹/۰۴۵	۵	۱۹/۸۰۹	۴/۹۴۱	۰/۰۰۱	۰/۶۱۳	۰/۳۷۶	۰/۳۰۰
باقیمانده	۱۶۴/۳۵۹	۴۱	۴/۰۰۹					
کل	۲۶۳/۴۰۴	۴۶						

معناداری	T	ضرایب استاندارد نشده		شاخص متغیر	
		Beta	S.E		
۰/۰۰۰۱	۶/۳۲۶	-	۲/۲۲۲	۱۴/۰۵۹	ثابت
۰/۰۰۷	۲/۸۵۳	۰/۳۹۲	۰/۰۳۳	۰/۰۹۵	روان‌رنجورخویی
۰/۰۶۴	-۱/۹۰۰	-۰/۲۲۹	۰/۰۳۴	-۰/۰۶۵	برون‌گرایی
۰/۲۵۴	۱/۱۵۷	۰/۱۶۵	۰/۰۵۱	۰/۰۵۹	گشودگی
۰/۰۲۷	-۲/۲۹۶	-۰/۳۰۳	۰/۰۳۷	-۰/۰۸۵	خوشایندی
۰/۴۰۷	-۰/۸۳۷	-۰/۱۱۲	۰/۰۳۹	-۰/۰۳۲	وظیفه‌شناسی

در جدول ۶ دیده می‌شود ۰/۳۷ از واریانس شیوه فرزندپروری توأم با تنبیه بدنی بر اساس ترکیب خطی ابعاد پنج‌گانه شخصیت تبیین‌پذیر و تنها بعد روان‌رنجورخویی و خوشایندی پیش‌بینی کننده منفی معناداری برای شیوه فرزندپروری توأم با تنبیه بدنی است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که وظیفه‌شناسی مادران کودکان دچار نقص توجه و بیش‌فعالی پیش‌بینی کننده مثبت شیوه فرزندپروری درگیرانه و مثبت و همچنین پیش‌بینی کننده منفی شیوه‌های فرزندپروری توأم با تنبیه بدنی و نظارت ضعیف است. این یافته‌ها با نتایج پژوهشی کوچانسکس^۱ و همکاران (۲۰۰۴) در این زمینه همخوان است که نشان دادند ابعاد شخصیت با جنبه‌های اجرایی رفتارهای فرزندپروری و فرزندپروری مثبت در ارتباط است. همچنین کلارک^۲ و همکاران (۲۰۰۰)، دریافتند وظیفه‌شناسی والدینی که شیوه‌ای با ثبات در نظارت بر کودک است، پیش‌بینی کننده جنبه اجرایی فرزندپروری است و وظیفه‌شناسی والدینی به ویژه وظیفه‌شناسی مادرانه که در سال‌های اولیه ارتباط بیش‌تری نسبت به پدر با کودک دارد پیش‌بینی کننده پاسخ‌دهی مادرانه به سوی نوباوه‌ها است در همین راستا پژوهش موری و جانسون^۳ (۲۰۰۶) نیز در ارتباط بین وظیفه‌شناسی والدین و تربیت کودک دچار نقص توجه و بیش‌فعالی، نشان داد مادران / پدرانی که وظیفه‌شناسی پایینی دارند یا وظیفه‌شناس

1. Kochanskis
2. Clark
3. Murray & Johnston

نیستند، نمره‌های کم‌تری در عملکردهای خود دریافت می‌کنند و اغلب در اتخاذ شیوه فرزندپروری خود ثبات ندارند و قادر نیستند نظارت پایداری مبتنی بر صبر و حوصله درباره کودک خود اعمال کنند. از سوی دیگر پژوهش گلدشتاین^۱ و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد که افراد وظیفه‌شناس دقت بالایی دارند، قابل اعتماد، سخت کوش و منظم هستند. بنابراین، در تبیین یافته پژوهش حاضر می‌توان گفت والدینی که وظیفه‌شناسی بالایی دارند، چون مسئولیت‌پذیر و کارآمد هستند، به رغم معضلاتی که فرزند دچار نقص توجه و بیش‌فعالی آن‌ها ایجاد می‌کنند، در رفتار با کودکان خود بیش‌تر از سبک‌های درگیرانه و مثبت فرزندپروری استفاده می‌کنند.

نتیجه دیگر پژوهش حاضر مربوط به بعد روان‌رنجورخویی مادران کودکان دچار نقص توجه و بیش‌فعالی بود که نشان داد این مؤلفه با فرزندپروری ناپایدار یا بی‌ثبات و فرزندپروری توأم با تنبیه بدنی رابطه مستقیم دارد. مؤلفه خوشایندی نیز پیش‌بینی‌کننده معنادار، اما منفی برای شیوه فرزندپروری توأم با تنبیه بدنی بود. براساس یافته‌های پودکسلی و نیگ^۲ (۲۰۰۱)، زمانی که روان‌رنجورخویی مادر/ پدر یا هر دو در حد بالایی باشد، ممکن است ارتباط مختل با کودک نیرومندتر شود. در این پژوهش نیز از بین ابعاد شخصیت تنها بعد روان‌رنجورخویی و خوشایندی پیش‌بینی‌کننده منفی معناداری برای شیوه فرزندپروری توأم با تنبیه بدنی بود. برای تبیین این یافته می‌توان گفت چون پدران/ مادرانی که سطح روان‌رنجورخویی بالایی دارند مستعد افسردگی، اضطراب و سرزنش خود و دیگران هستند. همچنین تعداد زیادی از بیماری‌های جسمانی و سطح بالاتری از ناراحتی‌های روانی با نمره بالا در عامل روان‌رنجورخویی همبسته است. بنابراین، پدر/ مادر دارای روان‌رنجوری خوبی به خاطر مشکلات روان‌شناختی خود به جای نظارت منطقی و مستمر بر رفتارهای تکانشی کودک خود، اغلب به تنبیه بدنی مبادرت می‌ورزد و در نتیجه اعمال این شیوه نامطلوب، احساسات و عواطف منفی و ناخوشایندی را در کودک ایجاد می‌کند.

قوی‌ترین یافته ادبیات پژوهشی که به موضوع پژوهش حاضر مرتبط است، رابطه بین عوامل شخصیت و آسیب‌دیدگی روانی است که بر ارتباط روان‌رنجورخویی و افسردگی صحه

می‌گذارد. روان‌رنجورخویی اثر منفی فزاینده‌ای بر افسردگی دارد (آنگست و کلایتون^۱، ۱۹۸۶)، همین‌طور افسردگی ارتباط مثبتی با روان‌رنجورخویی و ارتباط منفی با برون‌گرایی دارد. در ضمن سطوح بالای روان‌رنجورخویی با شیوه‌های فرزندپروری کم‌تر سازگارانه و منفی در ارتباط است (چیوکوتا و استیلز^۲، ۲۰۰۵). در نمونه‌ای غیربالینی اسپیناس و کانر^۳ (۲۰۰۳)، دریافتند والدینی که نمرات بالایی در روان‌رنجورخویی دارند در اتخاذ شیوه‌های فرزندپروری مناسب ضعیف‌تر هستند و دربارهٔ فعالیت‌های کودکان خود دانش و آگاهی کم‌تری دارند. همچنین جانسون و ریدر^۴ (۲۰۰۲)، در نمونه‌های غیربالینی نشان دادند که روان‌رنجورخویی با طرد والدینی کودکان، حساسیت و تحریک شناختی پایین‌تر، عواطف منفی بالاتر و آزارندگی بیش‌تر مرتبط است. گاردس^۵ و همکاران (۲۰۰۳) نیز نشان دادند افسردگی و روان‌رنجورخویی با یکدیگر ارتباط دارند و از ویژگی‌های افراد روان‌رنجور، نگرانی، ناایمنی، عصبی بودن، داشتن دلشوره و افسردگی است. بنابراین، همان‌طور که گفته‌های این پژوهش نیز نشان داد می‌توان انتظار داشت، روان‌رنجورخویی با شیوه‌های فرزندپروری منفی نظیر تنبیه بدنی، ناپایداری، بی‌ثباتی و نظارت ضعیف ارتباط داشته باشد و بر خوشایندی تعاملات والدین با کودک تأثیری منفی بگذارد و به تعاملاتی ناخوشایند و دلهره‌آور برای کودک منجر شود. در همین راستا الگار^۶ و همکاران (۲۰۰۳)، دریافتند روان‌رنجورخویی به تمایل بیش‌تر والدین به ارزیابی منفی از رفتارهای کودک دچار نقص توجه و بیش‌فعال خود؛ و از سوی دیگر به استرس، اضطراب و افسردگی خودشان منجر می‌شود که به نوبهٔ خود آسیب‌دیدگی روانی والدین، نوع و سبک تعامل آن‌ها را با کودکانشان تحت تأثیر قرار می‌دهد. مینر و استیوارد^۷ (۲۰۰۸)، بیان کردند خوشایندی در غیاب روان‌رنجورخویی به اتخاذ شیوه‌های تربیتی مناسب منجر می‌شود. بر اساس یافته‌های آن‌ها کسانی که در خوشایندی نمره‌های بالایی کسب کردند؛ حس همکاری بالایی داشتند، کمک‌کننده، فداکار، درستکار و از

1. Angst & Clayton
2. Choqueta & Stiels
3. Spinath & Connor
4. Reader
5. Gerdes
6. Lgar
7. Miner & Steward

خودگذشته بودند. مک‌کرا و کاستا (۲۰۰۴)، نیز دریافتند افراد خوشایند و دلپذیر در تعاملات بین فردی به دیگران احترام می‌گذارند، به آسانی به دیگران اعتماد می‌کنند، زود صمیمی می‌شوند، خودشان را در تعارض با دیگران قرار نمی‌دهند؛ رک‌گو، نوع‌دوست، همراه، متواضع، فروتن، دل‌رحم هستند؛ و نگرش‌های سیاسی و اجتماعی آن‌ها واقعیت‌گرایی را منعکس می‌کند. بنابراین، همان‌طور که افته‌های این پژوهش نیز نشان داد، قابل انتظار است پدر/مادری که نمره آن‌ها در عامل خوشایندی بالا باشد به واسطه داشتن ویژگی‌های شخصیتی مذکور، تنبیه‌گرا نباشند و به‌طور منظم، صبورانه و منطقی از شیوه‌های تربیتی مؤثر و مثبت استفاده کنند و بر عکس.

در این پژوهش، سایر ابعاد شخصیت یعنی برون‌گرایی و گشودگی با شیوه‌های فرزندپروری مادران رابطه معناداری نداشت. در تبیین نبود رابطه معنادار بین ویژگی‌های شخصیتی فوق با شیوه‌های فرزندپروری می‌توان گفت از آنجایی که سه عامل وظیفه‌شناسی، روان‌رنجورخویی و خوشایندی در حد زیادی می‌توانند قسمت اعظم واریانس شیوه‌های فرزندپروری را به خود اختصاص دهند، ممکن است مؤلفه‌هایی که در عامل برون‌گرایی و گشودگی وجود دارند همپوشانی زیادی با مؤلفه‌های وظیفه‌شناسی، روان‌رنجورخویی و خوشایندی داشته باشند، به عنوان مثال همان‌طور که تت و برنت^۱ (۲۰۰۳) بیان کردند، افراد گشوده انعطاف‌پذیر، هم در دنیای درونی و هم در دنیای بیرونی کنجکاو هستند و زندگی تجربی غنی و تمایلات آزادمنشانه‌ی دارند که آن‌ها را به سوی مشکلات جدید و ابداع شیوه‌های نوین سوق می‌دهد. افراد برون‌گرا نیز ویژگی‌هایی چون بیان احساسات و امیال در روابط بین فردی، فعالیت زیاد، هیجان‌خواهی و وجود هیجان‌ات مثبتی همچون شادی، لذت، ذوق و شوخ طبعی مشخص می‌شوند، که این ویژگی‌ها در عامل وظیفه‌شناسی و خوشایندی مستتر است. در واقع به دلیل این که دلپذیر بودن نیز با خصوصیات مشابه دو بعد شخصیتی برون‌گرایی و گشودگی توصیف می‌شود، مسلماً چنین والدینی نیز تنبیه‌گرا نخواهند بود و طبیعتاً از شیوه‌های تربیتی مؤثر و مثبت استفاده خواهند کرد.

یافته دیگر پژوهش حاضر حاکی از معنادار نبودن رابطه سن و میزان تحصیلات مادران

با شیوه‌های فرزندپروری آن‌ها بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت معضلاتی که کودک دچار نقص توجه و بیش‌فعال به واسطه ماهیت اختلالشان برای والدین خود ایجاد می‌کنند، آن‌چنان آن‌ها را آشفته می‌کند که به جای استفاده از تجارب و تحصیلات و اطلاعات خود بیش‌تر تحت تأثیر رگه‌های شخصیتی خود، که تأثیری عمیق‌تر بر رفتار و افکار آن‌ها دارد، شیوه‌های فرزندپروری خود را انتخاب می‌کنند. بنابراین، در نتیجه‌گیری نهایی می‌توان گفت که ویژگی‌های ساختاری و زیربنایی هر یک از ابعاد شخصیت می‌تواند عاملی مهم و پایدار در اتخاذ سبک یا شیوه فرزندپروری مادران / پدران باشد.

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که، اگرچه نمونه‌گیری در این پژوهش به شکل تمام شمار انجام شد، اما پژوهش‌های همبستگی نیاز به حجم نمونه بیش‌تری دارد، بنابراین، این مسأله امکان تعمیم نتایج را محدود می‌کند. به علاوه معنادار نبودن رابطه سن و تحصیلات مادر با شیوه‌های فرزندپروری ممکن است مربوط به حجم کم نمونه باشد. به این دلیل پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده چنین پژوهشی با نمونه بزرگ‌تری انجام شود.

همچنین با استفاده از نتایج این پژوهش، بهتر است دوره‌های آموزشی برای اولیا و مربیان در جهت شناسایی ویژگی‌های این کودکان و شیوه‌های فرزندپروری درست برگزار شود تا با افزایش آگاهی به جا و به هنگام درباره ماهیت این اختلال و اثرات مخرب استفاده از شیوه‌های نامطلوب فرزندپروری از جمله تنبیه، بی‌ثباتی و نظارت ضعیف، والدین بتوانند با تغییر در الگوهای رفتاری خود از بروز اختلال لجبازی و نافرمانی در فرزندان دچار نقص توجه و بیش‌فعالی جلوگیری کنند.

منابع

- شعبانی، مینا و یادگاری، امیر (۱۳۸۴). بررسی شیوع اختلالات بیش فعالی و کمبود توجه در دانش‌آموزان دبستانی شهر زنجان. *مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان*. دوره ۱۳، شماره ۵۱، ۴۸-۴۲.
- علی بخشی، سیده زهرا، آقاییوسفی، علیرضا، زارع، حسین و بهزادی پور، ساره (۱۳۹۰). اثربخشی تحول راهبرد خودنظم دهی بر عملکرد نوشتن دانش‌آموزان دچار اختلال نقص توجه و بیش فعالی. *فصلنامه روانشناسی کاربردی، تابستان، ۵ (۲ پیاپی ۱۸): ۳۷-۴۷*.
- کنعانی، کبری (۱۳۸۵). *هنجاریابی روایی و پایایی پرسشنامه پنج عامل عمده شخصیتی NEO-PI-R و بررسی نیمرخ روانی عاملان تصادف با استفاده از این پرسشنامه*، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد خوراسگان.
- لرنر، ژانت (۱۳۹۰). *ناتوانی‌های یادگیری: نظریه‌ها، تشخیص و راهبردهای تدریس*. ترجمه عصمت دانش، چاپ دوم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- Angst, J., & Clayton, P.J. (1986). Premorbid personality of depressive, bipolar, and schizophrenic patients with special reference to suicidal issues. *Comprehensive psychiatry*, 27(6), 511-532.
- Barkley, R. A. (2000). *Attention Deficit Hyperactivity Disorder* (seconded.). New York London: Guilford press.
- Brown, A., & Whiteside, S. (2007). Relations among perceived parental rearing behaviors, attachment style, and worry in anxious children. *Journal of anxiety*, 26, 340-348.
- Bussing, R., Mason, D. M., Bell, L., Porter, P. H., & Garvan, C. (2010). Adolescent outcomes of childhood attention-deficit/hyperactivity disorder in a diverse community sample. *Journal of American Academy of child and Adolescent Psychiatry*. 49,565-605.
- Carr, A. (2000). *The handbook of child and adolescence clinical psychology. A contextual approach*. Institute of psychiatry, London.
- Chi. T. C., & Hinshaw, S. P. (2002). Mother-child relationships of children with ADHD: The role of maternal depressive symptoms and depression-related distortions. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 30(4), 387-400.
- Chioqueta, A. P. & Stiels, T. C. (2005). Personality traits and the development of depression, Hopelessness, and suicide ideation. *Journal of Personality and Individual Differences*. 38, 1283- 1291.
- Clark, L.A., Kochanska, G., & Ready, R. (2000). Mother's personality and its interaction with child temperament af predicting. *Journal of personality*

- and *Social Psychology*. 79 (2), 274- 285.
- Crnic, K.A., Gaze, C., & Hoffman, C. (2005). Cumulative parenting stress across the preschool period: Relations to maternal parenting and child behavior at age 5. *Journal of Infant and Child Development* 14(2), 117-132.
- Costa, P.T. & McCrae, R. R. (1994). Set like Plaster? Evidence for the stability of adult personality. In Heatherton & J. L. Weinberger (Eds.). *Can personality change?* (pp. 21-40). Washington DC: American Psychological Association.
- Dupaul, G. J., Mc Goey, K. E., Eckert, T. L. & Van Brakle, J. (2001). Preschool with attention-deficit/hyperactivity disorder: Impairments in behavioral, social, and school functioning. *Journal of the American Academy of child and adolescent psychiatry*. 40, 508-515.
- Elgar, F.J., Curtis, L.J., McGrath, P. J., Washbusch, D.S., & Stewart, S. H. (2003). Antecedent-Consequence conditions in maternal mood and child adjustment: A four-year cross-lagged study. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 32(3) 362.
- Goldstein, L. H., Harvey, E. A., & Friedman-Weieneth, J. L. (2007). Examining subtypes of behavior problems among 3-year-old children, part III: Investigating differences in parenting practices and parenting stress. *Journal of Abnormal Child Psychology*. 35, 125-136.
- Gerdes, A. C., Hoza, B., & Pelham, W. E. (2003). Attention deficit/hyperactivity disorder boys' relationship with their mothers and fathers: Child, mother, and father perceptions. *Journal of Development and Psychology*, 15, 363-382.
- Hinshaw, S. P., Ownes, E. B., Wells, K.C., Kraemer, H. C. Abikoff, H. B., Arnold, L. E., Conner, C. K., Elliott, G., Breenhill, L. L., Pelham, W. E., Swanson, K. M., Vitello, B. & Wigal, T. (2002). Family processes and treatment outcome in the MTA: Negative/ineffective parenting practices in relation to multimodal treatment. *Journal of Abnormal Child Psychology*. 30, 555- 568.
- Johnstone, J.H., & Reader, S. K. (2002). Assessing Stress in families of children with ADHD: Preliminary development of the disruptive behavior stress inventory (DBSI). *Journal of Clinical Psychology in Medical Settings*. 9, 51-62.
- Johnstone, C., & Jassy, J. S. (2007). Attention deficit / hyperactivity disorder and Academy oppositional/conduct problem: Links to parent-child interaction. *Journal of the Canadian of Child and Adolescent psychiatry*. 16, 74-79.
- Kochanska, G., Friesenborg, A. E., Lange, L. A., & Marterl, M. M. (2004). Parents' personality and infants' temperament as contributors to their emerging relationship. *Journal of Psychology and Social Psychology*. 86(5), 744-759.
- Mc cre, R. R. & casta, P. T. (2004). A contemplated revision of NEO Five Factor Inventory. *Journal of Personality and Individual Difference*. 36, 587-596.
- McMahan, R. J., Munson, J. A., & Spieker, S. J. (1997). *The Alabama parenting Questionnaire: Reliability and validity in a high-risk longitudinal sample*. Presented at the meeting of the Association for the advancement of Behavior

- therapy, Miami, Fluoride.
- Miner, J. L., & Steward, K. A. (2008). Trajectories of aggressive and inattentive behavior from ages 2-9: Relations with temperament, gender, ethnicity, parenting, and rater. *Journal of Developmental psychology*. 44(3), 771-786.
- Murray, C., & Johnston, C. (2006). Parenting in mothers with and without attention deficit/hyperactivity disorder. *Journal of Abnormal psychology*. 115, 62-61.
- Parker, J. D. A., Majeski S. A. & Collin, V. T. (2004). ADHD symptom and personality: Relationship with the five factor model. *Journal of Personality and Individual Difference*. 36,977-987.
- Podolski, C. L., & Nigg, J.T. (2005). Parent stress and coping in relation to child ADHD severity and associated child disruptive behavior problems. *Journal of Clinical Child Psychology* 30,503-513.
- Robins, R. W., Fraley, R. C., Roberts, B. W. & Trzeseiwski, K. H. (2001). A longitudinal study of personality change in young adulthood. *Journal of Psychology*. 69, 617-640.
- Rhule, D. M., McMahan, R.J., & Spieker, S.J. (2004). Relation of adolescent mothers' history of antisocial behavior to child conduct problems and social competence. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*. 33(3), 523-535.
- Seipp, C.M., & Johnstone, C. (2005). Mother-son interactions in families of boys with attention-deficit/hyperactivity disorder with and without oppositional behavior. *Journal of Abnormal Psychology*. 33, 81-98.
- Sepa, A., Frodi, A., & Ludvigsson, J. (2004). Psychosocial correlates of parenting stress, lack of support and lack of confidence/security. *Scandinavian Journal of Psychology*. 45, 169-179.
- Shelton, K. K., Frick, P. J., & Wootton, J. (1996). Assessment of parenting pranting practices in families of elementary school-age children. *Journal of Clinical Child Psychology*. 25(3), 317-329.
- Spinath, F.M., & O'Connor, T.G. (2003). A behavioral generic study of the overlap between personality and parenting. *Journal of Personality*. 71(5), 785-808.
- Tett, R. P., & Burnett, D. D. (2003). A Personality trait-based integrationist model of job performance. *Journal of Applied Psychology*, 88, 500-517.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی